

دکتر محمد اسماعیل افراسیابی

وکیل پایه یک دادگستری

مسئولیت حرفه‌ای وکیل

○ مقدمه

۱- چرا بررسی مسئولیت حرفه‌ای وکیل در ایالات متحده آمریکا (کالیفرنیا)؟

به دو دلیل:

اولاً- روابط حرفه‌ای میان وکیل و موکل، شاید بهترین و مربوطترین موضوعی باشد که در نشریه‌ای که متعلق به کانون وکلای دادگستری است و خوانندگان آن وکلای محترم دادگستری هستند می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. زیرا مطالعه تطبیقی مسائل حقوقی در واقع یک «ورزش حقوقی» است که ما را در انتخاب بهترین راه حل کمک می‌کند. ثانیاً- با توجه به اینکه کشور ما از لحاظ حقوقی تابع سیستم حقوق مدون (Written Law) می‌باشد و اغلب حقوقدانان تحصیلات خود را در کشور تابع این سیستم (فرانسه، بلژیک و سویس) به پایان رسانیده‌اند در مطالعات تطبیقی خود به سیستم حقوق عرفی (Common Law) کمتر توجه نموده و در واقع خلأیی از این لحاظ وجود دارد.

به این دلیل اینجانب با دسترسی به مدارک با ارزشی که ذیلاً به عرض خواهم رسانید، موضوع «مسئولیت حرفه‌ای وکیل در ایالات متحده آمریکا» و به عنوان مثال ایالت کالیفرنیا را موضوع این مقاله (و مقالات بعدی در صورت امکان) انتخاب کرده‌ام.

۲- نحوه تهیه مقاله این سری مقالات با اقتباس از کتاب:

Barbri, Bar Review The Convions mini. Review California.

تهیه شده است این مؤسسه مطبوعاتی متجاوز از سی سال است که با همکاری

مجرب‌ترین وکلا و حقوقدانان و بخصوص استادان برجسته دانشکده‌های حقوق آمریکا کتب حقوق و نوار و فیلم‌های مربوط به امتحانات کانون وکلای دادگستری (Bar Exam) را به همین نام (Barbri) چاپ و منتشر می‌کند. کلاسهایی را برای آمادگی شرکت در این امتحانات در سرتاسر خاک آمریکا تشکیل داده و سؤالات سالهای گذشته را مورد مطالعه قرار می‌دهد، و بالاخره یک سایت در شبکه جهانی اینترنت به آدرس barbri.com دارد. این مدارک به قدری جامع و مفید است که کمتر حقوقدانی با مطالعه و شرکت در کلاس در امتحانات Bar Exam که به ادعای حقوقدانان سخت‌ترین امتحان در کشور آمریکا است، ممکن است موفق نگردد.

اگرچه کلیه مطالب با استفاده از کتاب فوق است ولی عنوان «ترجمه» به آن نمی‌توان داد زیرا ترجمه شرایط خاص خود را دارد. نگارش نیست زیرا چیزی از خودم ننوشته‌ام و به همین دلیل در متن رفرانس نداده‌ام زیرا در هر صفحه ده‌ها بار باید نام Barbri را به عنوان رفرانس تکرار می‌کردم شاید «اقتباس» عنوان مناسبی باشد.

ضمناً چون در این مقاله اصطلاحات متعدد حقوقی را به فارسی برگردانده‌ام. معادل انگلیسی آنها را نه به عنوان زیرنویس، بلکه در متن و در مقابل ترجمه فارسی نوشته‌ام تا اینکه، هم کسانی که علاقمند به فراگرفتن این اصطلاحات هستند بهره‌ای بگیرند، هم استادان موی شکاف بتوانند ایرادات این بدل‌سازی‌های حقوقی را گوشزد نمایند.

مسئولیت حرفه‌ای وکیل (در آمریکا و به عنوان مثال در ایالت کالیفرنیا)

«Professional Responsibility Of Lawyer»

○ اول - مقدمه

الف - مقررات مربوط به انجام حرفه وکالت Legal Profession Regulation

۱. صلاحیت دولتهای ایالتی در تنظیم حرفه وکالت Regulation By the State

به طور کلی باید گفت که ایالات در آمریکا، در محدوده اختیارات ایجاد نظم (Police Order) حق نظارت در کلیه مشاغل و حرف از جمله حرفه وکالت را دارند. ولی

تنظیم مقررات اخلاقی حرفه وکالت در اختیار و صلاحیت دادگاههای ایالت است و نه پارلمان و قوه قانونگذاری آن.

۲. اجازه فعالیت در حرفه وکالت دادگستری در یک ایالت

Admission to practice Law in a state

هر ایالت در مورد شرایط عضویت در کانون وکلای دادگستری آن ایالت مقررات بخصوص خود را تعیین می‌کند. اجازه وکالت در یک ایالت به تنهایی مجوز وکالت در سایر ایالات نمی‌باشد. در ایالت کالیفرنیا، برای اینکه شخصی بتواند به عضویت کانون وکلا درآید، باید دارای تحصیلات حقوقی بوده، ۱۸ سال تمام داشته باشد، و مشهور به حسن اخلاق بوده و بالاخره در امتحان کانون وکلای دادگستری (Cal Bar Exam) کالیفرنیا که سالی دو مرتبه برگزار می‌شود قبول شود.

۳. کانون وکلای دادگستری ایالتی State Bar Association

هر ایالتی دارای کانون وکلای مستقل است. بعضی از ایالات دارای کانون انحصاری (Integrated Bar) می‌باشد. بدین معنی که فقط اشخاصی می‌توانند در آن ایالت وکالت کنند که عضو کانون وکلای دادگستری آن ایالت باشند. به طور مثال کانون وکلای دادگستری ایالت کالیفرنیا انحصاری است و کسی می‌تواند در این ایالت وکالت کند که عضو کانون وکلای این ایالت باشد.

اعضای کانون باید حق عضویت بپردازند ولی حق عضویت اعضا فقط می‌تواند صرف تنظیم امور مربوط به حرفه وکالت و بهبود ارائه خدمات حقوقی به مردم گردد. ولی این وجوه نمی‌توانند صرف اهداف سیاسی یا ایدئولوژیک یا امور مذهبی گردند.

۴. مقررات انتظامی حرفه‌ای Professional Discipline

مقررات انتظامی مجازات‌هایی هستند که در مورد وکلایی که قواعد اخلاق مربوط به حرفه وکالت را رعایت ننموده، و اعمالی برخلاف شئون حرفه وکالت مرتکب شوند اعمال می‌شود. اغلب کانون‌های وکلای دادگستری، خود دارای دادگاه‌های انتظامی برای رسیدگی به تخلفات وکلای دادگستری هستند که آرای صادره از طرف آنها قابل تجدید نظر در عالی‌ترین دادگاه ایالت (دیوان کشور) می‌باشد.

Sources of Rules that Govern Lawyer بر وکلا مقررات حاکم

علاوه بر قواعد اخلاقی (State Ethics Rules)، وکلا تابع قوانین ایالتی (State Statutes) و مقررات ایالتی و محلی مربوط به تشکیل دادگاه‌ها (State and Local Court Rules) و بالاخره قوانین مربوط به رسیدگی در دادگاه (State Case Law) می‌باشند.

یکسری از قوانینی که در ایالت کالیفرنیا حاکم بر وکلای این ایالت هستند عبارتند از: قانون کانون وکلای دادگستری ایالت کالیفرنیا (Sate Bar Act)*، به طور مثال این قانون شامل مقررات مشروحه در مورد قراردادهای حق الوکاله است.

همچنین وکلای دادگستری در ایالت کالیفرنیا تابع «مقررات ایالت کالیفرنیا در مورد رفتار حرفه‌ای» (Cal Rules of Professional Conduct)، که از این به بعد مقررات کالیفرنیا (Cal Rules) نامیده می‌شود می‌باشند. این مقررات به وسیله کانون وکلای کالیفرنیا تنظیم و به تصویب دیوان عالی کالیفرنیا (Cal Supreme Court) رسیده است.

۶ کانون وکلای دادگستری امریکا The American Bar Association

در حدود نصف وکلای دادگستری آمریکا عضو کانون وکلای دادگستری آمریکا هستند این کانون بزرگترین تشکیلات سراسری در آمریکا است. یکی از مهم‌ترین اقدامات این کانون (علاوه بر فعالیتهای دیگر)، تنظیم مقررات حرفه‌ای نمونه (Mode Ethics Rules) برای وکلا و قضات دادگستری است که هر ایالت می‌تواند با الگو قرار دادن آنها مقررات حرفه‌ای خود را مستقلاً تنظیم کند. بعضی از مصوبات کانون وکلای دادگستری آمریکا به شرح زیر می‌باشند.

اولاً- قانون رفتار قضائی (ABA Code of Judicial Conduct)

در سال ۱۹۹۰ کانون وکلای دادگستری آمریکا در مورد رفتار قضائی (رفتار حرفه‌ای وکلا و قضات) قانونی به تصویب رسانید تا هر یک از ایالات بتوانند با الگو قرار دادن آن نسبت به تنظیم مقررات مربوط به حرفه قضائی خود مستقلاً اقدام کنند.

* - پیش‌بینی شده در مجموعه قوانین شغلی و حرفه‌ای پاراگراف‌های ۶۰۰۰ به بعد

ایالت کالیفرنیا قانون حرفه قضائی خود را عمدتاً از قانون رفتار قضائی کانون وکلای آمریکا الگوبرداری کرده است.

ثانیاً- قانون نمونه مسؤولیت حرفه‌ای Model Cod of Professional Responsibility این قانون در سال ۱۹۶۹ به تصویب کانون وکلای دادگستری آمریکا رسیده است و تعداد کمی از ایالات تاکنون مقررات مسؤولیت حرفه‌ای خود را براساس قانون نمونه فوق تنظیم کرده‌اند.

ثالثاً- مقررات نمونه رفتار حرفه‌ای ABA Model Rules of Professional Conduct این قانون در سال ۱۹۸۳ بجای قانون نمونه کانون (ABA Model Code) مورد تصویب کانون وکلای امریکا قرار گرفت. تاکنون اکثریت عمده‌ای از ایالات مقررات مربوط به رفتار حرفه‌ای وکلا را براساس مقررات نمونه فوق تنظیم کرده‌اند.

ایالت کالیفرنیا در تنظیم مقررات مربوط به رفتار حرفه‌ای وکلا تا حدی از قانون رفتار قضائی و تا حدی از مقررات نمونه رفتار حرفه‌ای و بالاخره قسمتی را از مقررات سابق خود ایالت کالیفرنیا الگوبرداری کرده است. ولی بسیاری از مقررات موجود در قانون نمونه رفتار قضائی آمریکا و مقررات نمونه رفتار حرفه‌ای آمریکا در مقررات رفتار حرفه‌ای وکلای کالیفرنیا مشابهی ندارند و به همین دلیل در مواردی به نظر می‌رسد که رفتار وکیل بایستی مشمول مقررات انتظامی باشد در حالی که اینطور نیست.

ب - امتحان سراسری (ایالات متعدد) مسؤولیت حرفه‌ای

Multistate Professional Responsibility Examination (EPRE)

یکی از شرایط عضویت در هر کانون وکلا در آمریکا گذراندن امتحان مسؤولیت حرفه‌ای در ایالات مختلف است. در این امتحان سه دسته سؤال مطرح می‌شوند. سئوالات مربوط به رفتار حرفه‌ای وکلا، سئوالات مربوط به رفتار حرفه‌ای قضات و بالاخره سئوالات مربوط به سهل‌انگاری در انجام حرفه قضائی.

۱- سئوالات مربوط به رفتار وکیل (Questions on Lawyer Conduct)

در حال حاضر جوابهای صحیح مربوط به رفتار وکیل یا بر طبق قانون رفتار قضائی (ABA Code) یا منطبق بر مقررات نمونه رفتار حرفه‌ای (ABA Model Rules) است و سعی می‌شود وجوه افتراق میان آنها مورد سؤال قرار داده نشود.

۲. اصطلاحات خاص (Special Terms)

رعایت بعضی از مقررات چه در قانون رفتار قضائی (ABA Code) و چه در مقررات نمونه (ABA Model Rules) اجباری هستند. بدین معنی که اگر وکیلی این مقررات را رعایت نکند در معرض مجازاتهای انتظامی قرار خواهد گرفت. برای بیان این نوع قواعد اجباری مقررات نمونه، اصطلاحاتی که اجبار را نشان می‌دهند (مثل خواهد کرد shall و یا نخواهد کرد) بکار برده است. بقیه مقررات در قانون رفتار قضائی جنبه ارشادی (Advisory) دارند. بدین معنی که وکلا باید از آن تبعیت نمایند ولی چنانچه آنها را رعایت ننمایند در معرض مجازاتهای انتظامی قرار نخواهند گرفت. اینگونه مقررات در قانون رفتار قضائی تحت عنوان ملاحظات اخلاقی (Ethical Considerations) و در مقررات نمونه با به کار بردن اصطلاحاتی که تجویز را نشان می‌دهند (مثل ممکن است may یا می‌تواند should) مشخص شده‌اند.

○ دوم - روابط وکیل و موکل Client Lawyer Relationship

الف - وظیفه وکیل از لحاظ صلاحیت Lawyers Duty of Competence

وکیل به عنوان نماینده حقوقی موکل است و برای حسن انجام این نمایندگی باید از لحاظ معلومات حقوقی و مهارت و تجربه و آمادگی نسبی صلاحیت داشته باشد. در کالیفرنیا چنانچه وکیل عمدتاً یا از روی بی‌توجهی و یا حتی بدون عمد و اشتباه به طور مکرر وظایف مربوط به وکالت را به طور ناقص انجام دهد مورد مجازاتهای انتظامی قرار خواهد گرفت.

۱. مثالهایی از عدم صلاحیت وکیل - در موارد زیر وکیل به مجازاتهای انتظامی محکوم خواهد گردید:

اولاً - سهل‌انگاری در مسائل حقوقی

ثانیاً - عدم آمادگی برای دفاع و یا حاضر نکردن پرونده برای دفاع

ثالثاً - قبول کردن پرونده‌ای که شخص وکیل می‌داند قادر به دفاع از آن نیست.

وکیل می‌تواند پرونده‌ای را که در موضوع حقوقی مطرح در آن هیچ تجربه‌ای ندارد

بپذیرد به شرط آنکه:

اولاً- بدون آنکه تأخیر بدون جهت در احقاق حق و یا هزینه اضافی برای موکل در برداشته باشد بتواند خود را آماده دفاع از پرونده کند.
ثانیاً- یا رضایت موکل را به دست آورد که با وکیل دیگری که در آن زمینه تجربه دارد همکاری و شرکت کند.*

۲- شرایط اضطراری Emergency Situations

وکیلی که صلاحیت لازم در یک موضوع خاص را ندارد، معهداً در شرایط اضطراری می‌تواند موکل را در آن شرایط کمک کند ولی این همکاری نباید از آنچه منطقیاً برای مقابله با شرایط اضطراری لازم است تجاوز کند.**

ب- مسؤولیت وکیل در سهل‌انگاری در امر وکالت Liability for Legal Malpractice

۱- روابط میان مسائل مربوط به تخلفات انتظامی و مسائل سهل‌انگاری در انجام وظیفه

Relationship Between Disciplinary Matters and Malpractice

مسائل مربوط به تخلفات انتظامی از سه جهت از مسائل مربوط به سهل‌انگاری در انجام وظایف حقوقی متفاوت هستند:

اولاً- از لحاظ صلاحیت رسیدگی - دعوی سهل‌انگاری در دادگاه حقوقی مطرح می‌شود و نه در دادگاه انتظامی.

ثانیاً- از لحاظ صلاحیت رسیدگی - در دعوی سهل‌انگاری شاکی وکیل، موکل است و نه دادستان انتظامی کانون وکلا.

ثالثاً- بالاخره از لحاظ هدف دعوی - دعوی سهل‌انگاری در انجام وظیفه جبران خسارت موکل زیان دیده است در صورتی که هدف تعقیب انتظامی مجازات وکیل و حمایت از موکلان بالقوه برای جلوگیری از تکرار اشتباهات در آینده می‌باشد.

۲- آیا تخلف از قواعد اخلاقی می‌تواند دلیل سهل‌انگاری در انجام وظیفه باشد؟

Ethics Violation as Evidence of Malpractice

تخلف از مقررات اخلاق وکالت به تنهایی دلیل سهل‌انگاری در امر وکالت و مسؤولیت ناشی از آن نیست و حتی اماره سهل‌انگاری در انجام وظیفه هم نمی‌باشد. اما

- Cal . Rule 3 - 110 (B)

- The Discussion Following Cal Rule 3-100

دادگاه حقوقی در رسیدگی به دعوی سهل‌انگاری تخلف از مقررات اخلاقی وکالت را بعنوان دلیل مرتبط Relevant Evidence جهت رسیدگی می‌پذیرد.

۳. تئوری‌های مربوط به مسئولیت ناشی از بد عمل کردن (سهل‌انگاری) وظایف قانونی

Theories of Malpractice Liability

در یک دعوی سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی بر علیه وکیل، شاکی (موکل) می‌تواند به تئوری‌های مختلف موجود در مورد مسئولیت از جمله تئوری‌های زیر، استناد نماید.

اولاً- تئوری شبه جرم Intentional Tort، مانند تقلب (Fraud) تدلیس (Misrepresentation)، تقلب نسبت به قانون (Abuse of Process) و سوءاستفاده از منابع مالی (Misuse of Funds).

ثانیاً- عدم رعایت وظایف امانت‌داری Breach of Fiduciary Duties این وظایف عبارتند از وفاداری (loyalty)، حفظ اسرار (Confidentiality) و رفتار شرافتمندانه (Honest Dealing).

ثالثاً- نقض قرارداد (Breach of Contract) که طی آن وکیل صریحاً یا به طور ضمنی تعهد نموده که تخصص و توجه خود را مصروف دفاع از پرونده نماید.

۴. بی‌مبالاتی Negligence

رایج‌ترین تئوری در مورد مسئولیت وکیل در انجام وظایف قانونی خود همان اهمال و بی‌مبالاتی است. برای اثبات بی‌مبالاتی شاکی (موکل) باید بتواند عوامل پنجگانه زیر را باثبات برساند:

اول: اثبات وجود وظیفه مراقبت خاص (Due Duty)

دوم: اینکه وکیل به وظیفه خود عمل ننموده است (Breach of Duty)

سوم: اثبات اینکه موکل متضرر شده است (Damage)

چهارم و پنجم: اثبات اینکه ترک وظیفه وکیل سبب واقعی (Actual Cause) و سبب بلاواسطه (Proximity Cause) ضرر و زیان وی بوده است. ذیلاً توضیحاتی در مورد ارکان مختلف بی‌مبالاتی داده می‌شود:

اولاً- وظیفه مراقبت مخصوص: وکیل نه تنها در مقابل موکل، بلکه در مقابل اشخاص

ثالثی هم که احیاناً می‌توانند از خدمات حقوقی ارائه شده از طرف وی به موکل منتفع شوند، یا قانوناً انتظار منتفع شدن را دارند، وظیفه دارد تا در انجام وظایف قانونی محوله توجه و مراقبت خاص بنماید.

درجه (یا استاندارد) این توجه و مراقبت بستگی به نوع وکیل (عمومی یا متخصص) دارد. در مورد یک وکیل عمومی دادگستری انتظار می‌رود که دارای مهارت و تشخیص و قضاوتی باشد و طوری عمل کند که یک وکیل عمومی معمولی و محتاط عمل می‌کرد. در حالی که استاندارد توجه و مراقبت و مهارت برای یک وکیل متخصص به مراتب بالاتر است و الگوی سنجش، یک وکیل متخصص در آن رشته بوده و انتظاری است که از او می‌رود.

ثانیاً ترک وظیفه (مراقبت لازم) (Breach of Duty) یک وکیل صرفاً به خاطر اشتباه در تشخیص، چنانچه آن تشخیص با اطلاع کامل از موضوع و به طور منطقی باشد، مسؤولیت نیست. به عبارت دیگر ما وکیل را به خاطر اینکه بعداً معلوم گردیده که تشخیص وی غلط بوده است سرزنش نمی‌کنیم همانطور که یک پزشک را به خاطر تشخیص غلط مرض، اگر آثار آن با آثار مرض مورد تشخیص یکی بوده است، سرزنش نمی‌کنیم. آنچه از یک وکیل وظیفه شناس انتظار می‌رود این است که بررسی‌های حقوقی لازم را بنماید.

چنانچه یافتن پاسخ صحیح حقوقی مستلزم انجام مطالعات حقوقی بوده و وکیل از انجام این مطالعات خودداری نموده باشد عمل او نقض وظیفه «مراقبت لازم» است. هم چنین یک وکیل عمومی محتاط که در مسأله حقوقی مطروحه تخصص کافی ندارد وظیفه «مراقبت لازم» وی را مجبور می‌سازد تا برای یافتن جواب صحیح مسأله حقوقی به یک وکیل متخصص و مجرب در آن رشته مشاوره کند و چنانچه وکیل این کار را نکرده باشد و راه حل انتخابی وی نیز غلط باشد عمل وی نقض وظیفه «مراقبت لازم» بحساب می‌آید. در صورتی که اگر این عمل را انجام داده باشد ولو اینکه بعداً معلوم گردد راه حل انتخابی صحیح نبوده است و یا راه حل بهتری وجود داشته است مسؤول نمی‌باشد.

ثالثاً سبب واقعی (عملی) (Actual Cause): موکلی که وکیل خود را بعنوان بی‌مبادلاتی (Negligence) تعقیب می‌کند باید ثابت کند که اگر اهمال وکیل نبود به او زیان

وارد نمی‌گردید.

رایعاً- سبب مستقیم Proximate Cause: در یک دعوی قصور در انجام وظیفه (Malpractice) شاکی باید ثابت کند که قصور وکیل سبب مستقیم و بلاواسطه زیان وارد به او است. بدین معنی که در شرایط موجود عادلانه است که ما خواننده را مسئول زیانهای غیر منتظره، هم چنین زیانهای مورد انتظار که از راههای غیر منتظره حادث شده‌اند ندانیم.

۵. مسئولیت وکیل در مقابل بی مبادلاتی دیگران

Liability for Negligence Of Other

یک وکیل نه تنها در مقابل اعمال شخصی، بلکه در مقابل اِهمال سایر شرکاء، منشی و کارمندانی که استخدام وی بوده و برای وی مشغول انجام وظیفه هستند مسئول است. هر شریک در یک مؤسسه حقوقی در دوران و جریان شراکت، نسبت به اعمال سایر شرکاء و احیاناً بی مبادلاتی آنها در انجام وظائف، مسئول است.

۶. بیمه مسئولیت ناشی از بی مبادلاتی Malpractice Insurances

قانون رفتار قضائی کانون وکلای آمریکا (ABA Code...) و مقررات نمونه مسئولیت حرفه‌ای (ABA Model Code)، داشتن بیمه مسئولیت ناشی از قصور در انجام وظیفه را اجباری نکرده‌اند ولی عملاً اکثریت قریب باتفاق وکلا (وکلائی محتاط) از این نوع بیمه‌ها استفاده می‌کنند.

طبق مقررات کانون وکلای دادگستری ایالت کالیفرنیا، وکلایی که بیمه مسئولیت ناشی از قصور در انجام وظیفه ندارند، باید در نزد کانون وکلا تعهد کنند که ضررهای ناشی از قصور در انجام وظیفه را شخصاً جبران خواهند کرد و چنانچه بیمه مسئولیت نداشته و چنین تعهدی را نیز نزد کانون نسپرده باشند باید در قرارداد مربوط به حق الوکاله با موکلین خود این موضوع را صریحاً روشن و تصریح کنند.

۷. قراردادهایی که وکیل با موکل خود در مورد محدود کردن مسئولیت ناشی از بد عمل کردن

Contracting with Client Limit Malpractice Liability

منعقد می‌کند

مقررات نمونه رفتار حرفه‌ای، وکلای دادگستری را از عقد قراردادهایی با موکل در مورد نفی یا محدود کردن مسئولیت، در صورت تقصیر در انجام وظائف قانونی منع

کرده است مگر اینکه مقررات محلی اجازه انعقاد چنین قراردادی را به وکیل بدهد و یا موکل در زمان انعقاد چنین قراردادی دارای وکیل مستقل دیگری غیر از وکیل طرف قرارداد باشد.*

۸. مصالحه دعاوی مربوط به مسؤلیت وکیل در قبال قصور در انجام وظیفه

Settling Malpractice Claims

هیچ وکیلی حق ندارد دعاوی مربوط به مسؤلیت ناشی از انجام وظیفه را با موکلین سابق خود مصالحه کند، مگر اینکه قبلاً بصورت کتبی به وی توصیه کند که برای مصالحه وکیل مستقلی برای خود انتخاب کند.**

ج. محدوده نمایندگی (اختیارات وکیل و موکل) Scope Of Representation

۱. تصمیماتی که به وسیله موکل اتخاذ می شوند.

Decisions to be made by Client

کلیه تصمیمات مهمی که در وضع حقوقی موکل مؤثرند توسط شخص وی اتخاذ خواهد گردید. به طور مثال تصمیم در مورد اینکه آیا دعوی از طریق مصالحه حل و فصل گردد یا از طریق تعقیب قضائی، یا اینکه پرونده توسط قاضی رسیدگی شود (Judg Trial) یا در حضور هیئت منصفه (Jury Trial).

۲. تصمیماتی که به وسیله وکیل اتخاذ می شوند.

Decisions to be made by Lawyer

اتخاذ تصمیمات در مورد خط مشی و روش تعقیب پرونده، پس از مشاوره با موکل، از اختیارات وکیل است. به طور مثال تعیین عنوان ادعا، مثلاً آیا شاهدهی را مورد بازجویی متقابل (Cross Examination) قرار بدهد یا خیر؟ ولی در مورد تصمیمات راجع به هزینه‌ها و یا رفاه اشخاص ثالث باید وکیل بر طبق خواسته‌های موکل خود عمل کند.***

اختیارات وکیل و موکل و تصمیم‌گیری را می‌توانیم بشرح زیر خلاصه کنیم:

** - مقررات کالیفرنیا 400 - Cal. Rule 3 چنین قراردادهایی بین وکیل و موکل را منع می‌کند.

- Cal. Rul 3 - 400

*** - در قانون ایالت کالیفرنیا مقرراتی در این مورد وجود ندارد.

اختیارات موکل مربوط به حقوق و استحقاق وی (Merits) در دعوی می‌شود و عبارتند از:

- تصمیم‌گیری در مورد قبول یا رد پیشنهادات مربوط به مصالحه دعوی

- در دعوی مدنی صرف‌نظر کردن از دفاعیات تصدیقی (Affirmative Defenses) مثل

دعوی متقابل، تهاثر، جلب شخص ثالث و غیره.

- در دعوی جزایی اقرار به ارتکاب جرم

- در دعوی جزایی تصمیم بر اینکه شخصاً در محل شهود حضور یافته و شهادت

دهد یا خیر.

- در دعوی جزایی، وارد مذاکره شدن با دادستان و اقرار به جرم خفیف‌تر (Plea)

بمنظور تعقیب نشدن در اتهامات شدیدتر.

- در دعوی جزایی، صرف‌نظر کردن از محاکمه شدن توسط هیئت منصفه

- اختیارات وکیل در اخذ تصمیمات بیشتر مربوط به تدابیر رسیدگی (Procedural

Tactics) بوده و مهم‌ترین آنها بشرح زیر می‌باشند.

- اعلام به موقع اعتراضات وارد بر رسیدگی (Motions)

- تعیین محدوده تحقیقات (Scope of Discovery)

- انتخاب شهود (Choice of Witness)

- بازجویی مستقیم و غیر مستقیم از شهود Dissect and cross - Examination

- انتخاب و ارائه انواع دلایل What Evidence to Introduce

۴- محدود کردن سمت نمایندگی (وکالت) در صورت وجود اختلاف میان نظرات وکیل و موکل

Limiting the Scope of Representation

چنانچه وکیل با اهداف و موضع‌گیری‌های موکل خود موافقت نداشته باشد، پس از

مشاورت و بدست آوردن رضایت موکل می‌تواند سمت نمایندگی خود در آن موارد را

پس بگیرد.

د کمک نکردن به موکل در اعمال مجرمانه و تقلب‌آمیز

Not Assisting the Client in Criminal or Fraudulent Conduct.

وکیل چنانچه رفتار موکل خود را مجرمانه و یا تقلب‌آمیز تشخیص دهد باید از ارائه

هرگونه مشورت و کمکی در جهت ارتکاب آن اعمال خودداری کند.

الف. بحث در مورد اعمال پیشنهادی *Discussing the Proposed Conduct*

وکیل می‌تواند در مورد این گونه اعمال غیرقانونی با موکل خود بحث کرده و غیرقانونی بودن اعمال را به وی گوشزد کند ولی نباید در این بحث اعمال غیرقانونی موکل خود را تأیید یا توصیه نماید، همچنین نباید وی را در انجام اعمال غیرقانونی خود به هیچ وجه راهنمایی کند.

بد جواب رد به تقاضای غیر مشروع موکل «No» *Telling the Client*

چنانچه موکل متوقع کمک وکیل در امری باشد که غیرقانونی و یا برخلاف مقررات حرفه‌ای می‌باشد، وکیل باید موکل خود را توجیه کند که چرا نمی‌تواند وی را در امر غیرقانونی کمک کند.

ج. آگاهی از استفاده نامشروع موکل از خدمات حقوقی وکیل

Deiscovering Illegal Conduct

وقتی وکیل مطلع شد که موکل قصد دارد از کمک‌های حقوقی وی برای انجام اعمال غیرقانونی یا تقلب‌آمیز استفاده کند وکیل باید با دادن استعفا خود را کنار بکشد.

د. کمک به موکل در فهم قوانین مربوط *Telling The Law*

وکیل می‌تواند هرگونه مشورت و کمکی را به موکل برای فهم (با حسن نیت) معنی، اعتبار، محدوده و نحوه اجرای قوانین بدهد.*

○ سوم - تلاش وکیل در انجام وظایف محوله *Lawyer's Duty of Diligence*

به مجرد اینکه وکیل وکالت موکل خود را در دعوایی پذیرفت باید:

۱- به نمایندگی از طرف موکل خود با تلاش و فوریت معقولانه‌ای وارد عمل شود
(*Reasonable Diligence and Promptness*)

۲- با از خودگذشتگی و حمیت (*Dedication and Zeal*)، هر اقدام قانونی و حرفه‌ای

* مواد ۲۱۰-۳ و ۷۰۰ B,C-۳ قانون وکلای ایالت کالیفرنیا، عمدتاً با مقررات فوق برابر هستند.

لازم برای به اثبات رساندن ادعای موکل را به عمل آورد.

۳- دعوی را تا پایان تعقیب کند (مگر اینکه موکل وکیل را معزول کرده و یا مورد از مواردی است که قانون وی را مجبور به استعفاء کرده و یا به وی اجازه داده است تا استعفاء کند).

○ چهارم - وظیفه وکیل نسبت به مطلع نگاه داشتن موکل

Lawyer's Duty to keep the Client Informed

۱- وظیفه ایجاد ارتباط *Duty to Communicate*

وکیل باید به طور منطقی موکل خود را در جریان امور قرار دهد، همچنانکه موظف است به فوریت به تقاضای منطقی موکل خود در جهت کسب اطلاعات، پاسخ مثبت بدهد. از لحاظ زمانی این اطلاعات طوری باید در اختیار موکل قرار گیرد که بتواند آگاهانه تصمیم‌گیری کند.^{۳*}

۲- ارتباط در شرایط خاص *Communication in Special Circumstances*

میزان و نوع اطلاعات داده شده به موکل بستگی کامل به موقعیت موکل دارد. به طور مثال توجه یک موکل جوان با موکلی که از لحاظ ذهنی عقب افتاده است احتیاج به توضیحات زیادتری دارد تا مسائل برای او قابل فهم گردد. در صورتیکه موکلی که به طور مرتب از خدمات وکلا استفاده کرده و دعاوی زیادی قبلاً داشته است ممکن است با وکیل خود توافق کند که فقط تغییرات و اتفاقات عمده در طول رسیدگی را با اطلاع او برساند.

در عین حال چنانچه وکیل تشخیص دهد که مطلع شدن فوری موکل از چیزی مواجه با عکس‌العمل وی شده که ممکن است بضرر خود او باشد ممکن است این خبر را با

* - ماده ۵۱۰ - ۳ قانون کانون وکلای دادگستری کالیفرنیا نیز همین مقررات را پیش‌بینی کرده و اضافه کرده است در دعوی جزایی وکیل باید هر تقاضای مصالحه‌ای را به اطلاع موکل خود برساند و در دعوی غیر جزایی نیز وکیل باید هر پیشنهاد مصالحه کتبی و همچنین هر پیشنهاد مصالحه شفاهی مهم را به اطلاع موکل خود برساند، همچنین پاراگراف ۵ - ۳ - ۶۱ قانون مشاغل و صنوف کالیفرنیا پیش‌بینی کرده است که چنانچه وکیل وجهی بابت مصالحه دعوی دریافت کرده باید بلافاصله آن را به اطلاع موکل خود برساند و چنانچه این عمل را انجام ندهد مستوجب کیفر انظامی است ولو اینکه ثابت کند قصد ضرر زدن به موکل نداشته و موکل عملاً از این تاخیر متضرر نشده است.

تأخیر باطلاح موکل خود برساند همچنان که ممکن است دادگاه بوکیل دستور دهد که مسائلی را باطلاح موکل خود برساند. (مثلاً اطلاعات مربوط به اسرار تجاری طرف دعوی که با دستور و تحت نظارت دادگاه در پرونده منعکس است و موکل رقیب تجاری نباید از این اسرار مطلع شود).*

